

Journal of Comparative Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year 10, No 19, autumn / Winter 2018-2019

The Effect of Arabic Infinitives on Persian Word Formation: An Application of Johnson's "Lexical Variation Theory" Using a statistical model
(based on the story Dar Ol-Majanin; Malakoot and Gileh Mard
(Scholarly-Research)

Farzaneh Hajjighasemi¹, Somayeh Kazemi Najafabadi²

Abstract

Along with human relationships, languages are in continuous exchange. The clearest evidence for language exchange is the existence of loan words in a language. Considering the long history of Iran-Arab relations, Persian has borrowed some of its words from Arabic. It is a matter of high importance to investigate and recognize these words in Persian morphology. Thus, the present paper tries to explore Arabic infinitives used in the structure of Persian words in three leading literary works of Iranian fiction writing, namely, *Dar al-Majanin* by Mohammadali Jamalzadeh, *Malakoot* by Bahram Sadeqi and *Gileh Mard* by Bozorg Alavi, using a descriptive- analytical method and statistic data, and based on Johnson's lexical variation theory. The findings of this statistical research suggest that thulathi mujarrad Arabic infinitives have been used extensively in the structure of contemporary Persian words during the last 40 years. However, this has been a descending trend.

Keywords: Johnson's theory, Lexical variation, Word formation, Persian language, Arabic infinitives.

¹ - PhD Student of Arabic Language and Literature, University of Isfahan, (Corresponding author): farzaneh70.ghasemi@gmail.com

²- Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Isfahan:skazemin@yahoo.com

Date Received: 23. 05. 2016

Date Accepted: 16. 09. 2017

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

تأثیر مصادر عربی بر ساخت واژگان فارسی معاصر بر پایه نظریه تنوع واژگان جانسون (بررسی موردی داستان «دار المجانین»، «ملکوت» و «گلیله مرد»)

(علمی - پژوهشی)

فرزانه حاجی قاسمی*^۱

سمیه کاظمی نجف آبادی^۲

چکیده

در کنار روابط انسانی، زبان‌ها نیز در حال داد و ستد هستند. بارزترین مصداق تعاملات زبانی وجود وام‌واژه‌های بیگانه در یک زبان است. با توجه به قدمت روابط ایران و عرب، زبان فارسی، تحت تأثیر زبان عربی، واژگانی را از آن به‌عاریت گرفته‌است. بررسی و شناسایی این واژه‌ها در نظام ساخت‌واژی زبان فارسی اهمیت بسزایی دارد، از این رو، مقاله پیش‌رو سعی خود را بر آن گذاشته تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های آماری بر پایه نظریه «تنوع واژگان» جانسون، مصادر عربی به کاررفته در ساختار واژگان فارسی را در داستان «دار المجانین» نوشته محمدعلی جمال‌زاده، «ملکوت» نوشته بهرام صادقی و «گلیله مرد» نوشته بزرگ علوی به‌عنوان آثار ادبی پیشگام داستان نویسی ایران بررسی کند. دستاورد پژوهش آماری، حاکی از آن است که در ساختار واژگان فارسی معاصر در طول ۴۰ سال از مصادر ثلاثی مجرد زبان عربی در مقایسه با دیگر انواع مصادر این زبان به‌طور گسترده، استفاده شده‌است اما هر چه به طرف زمان کنونی پیش می‌رود از میزان آن کاسته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نظریه جانسون، تنوع واژگان، ساخت واژگان، زبان فارسی، مصادر عربی.

^۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول):

farzaneh70.ghasemi@gmail.com

^۲ . استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان: s.kazemi@fgn.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳

۱- مقدمه

وجود واژگان بیگانه در یک زبان، نشان از آن دارد که هر زبانی در طول تاریخ، با دیگر زبان‌ها تعامل و ارتباط داشته‌است. این گونه تعاملات زبانی، زمینه‌ساز ظهور پدیده «برخورد یا تماس زبانی» (Language Contact) می‌گردد؛ بدین معنا که تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی و غیره که در اثر روابط جوامع با یکدیگر رخ می‌دهد، در واژگان و ساختار دستوری زبان نیز منعکس می‌شود و آن را دست‌خوش تغییرات زبانی، مانند گرده‌برداری و قرض‌کردن واژگان، می‌کند. (ر.ک: باطنی، ۱۳۷۳: ۷۸) زبان فارسی نیز به دنبال روابط دیرینه ایران و کشورهای عربی، از زبان عربی تأثیر پذیرفته و واژگانی را از آن به عاریت گرفته‌است. زین رو، بدیهی است که ساخت واژگان زبان فارسی به دنبال روابط چندجانبه با زبان عربی و از طریق پدیده وام‌گیری واژگانی به شکل وسیعی، از ساختار صرفی زبان عربی تأثیرپذیرد.

«وام‌واژه‌ها» (loanword) یکی از مباحث مطالعات جامعه‌شناسی زبان (Sociolinguistics) است. این مقوله، کلماتی را شامل می‌شود که اهل زبان آن را از زبانی غیر از زبان مادری خویش، قرض کرده‌باشند و در کلام ادبی و روزمره خود، مطابق با ساختار دستوری زبان مادری استفاده کنند. در حقیقت، هیچ زبانی را نمی‌توان یافت که خالی از کلمات بیگانه باشد. به سخنی دیگر، قلب تپنده هر زبانی، همین دادوستدهای زبانی - واژه‌ای است و حیات یک زبان به این روابط میان‌زبانی بستگی دارد، چرا که «اگر واژه‌ها نبودند زبان نیز نمی‌بود.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۰: ۱۱)

وام‌پذیری زبانی در سه سطح واژگانی، واجی و دستوری صورت می‌پذیرد. (ر.ک: مدرسی، ۱۳۹۱: ۸۹) از آنجا که وام‌پذیری در سطح واژگان گویای ارتباط ملت‌ها با یکدیگر و پویایی زبان مبدأ در طول تاریخ است، در این مقاله با انتخاب سه اثر داستانی پیشگام در دوره جدید داستان‌نویسی ایران برآنیم تا وام‌پذیری واژگانی زبان فارسی از زبان عربی را در یک دوره مشخص و باتوجه به آثار داستانی آن دوره بررسی نماییم.

داستان‌نویسی یکی از جلوه‌های مهم زبان و «نحوه گفتار» است (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۲۲)، که از دل مردم سرچشمه گرفته‌است و برای بیان افکار و مقاصد استفاده می‌شود؛ بدین ترتیب، از اصلی‌ترین منابع ادبی به‌شمار می‌رود که می‌توان با بررسی آن از هر جنبه‌ای، از جمله

ساختارِ گفتاری، به سبک نگارش هر دوره‌ای از تاریخ پی‌برد. لذا، در این مقاله سعی شده با استناد بر داستانی از آغاز دوره داستان کوتاه ایرانی یعنی سال ۱۳۰۰ (آغاز دوره مشروطیت در ایران) و دو داستان دیگر مربوط به ۴۰ سال پس از آن، و با بررسی مصادر عربی در آنها، علاوه بر شناسایی سبک نویسنده‌گی این دوره در کاربرد واژگان عربی، میزان تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان عربی نیز آشکار شود.

بررسی دایره لغات یک اثر و کیفیت استعمال واژگان در آن، بیانگر سبک صاحب اثر خواهد بود و وجه تمایز سبک نویسنده‌گی وی را نسبت به آثار دیگر مشخص می‌کند؛ بنابراین سبک‌شناسی، نحوه کاربرد واژگان متنوع در یک متن ادبی را جهت ارائه مقصود نویسنده بررسی می‌نماید.

سبک‌شناسی ادبی (literary stylistics) شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود که به بررسی روش بیان مطلب در آثار ادبی، چه نثر و چه نظم می‌پردازد و ویژگی‌های زبانی نویسنده یا شاعر را وصف می‌کند. سبک‌شناسی آماری (Statistical) یکی از زیرمجموعه‌های سبک‌شناسی ادبی است که با تکیه بر اعداد و ارقام بسامد عناصر زبانی به کاررفته در متون ادبی را بحث و بررسی می‌کند؛ نظریه «تنوع واژگان» (Vocabulary Diversification) کیت جانسون بر همین اصل بنا شده است و پایه اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. در واقع بهره‌گیری پژوهش‌های ادبی از دانش آمار، این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌سازد تا با استناد به اعداد و ارقام، به نتیجه‌ای کمی و مستند دست یابد و بسیاری از زوایای پنهان یک متن ادبی را روشن سازد، به طوری که «اگر سؤال شود که آیا اطلاعات آماری، ارتباطی با مطالعه سبک دارد؟ جواب کاملاً روشن است: بلی، تقریباً تمام نقدها، حتی مبتدی‌ترین آنها، یعنی نقد تأثرگرا روش آماری را هر چند به طور ناقص و غیر رسمی به کار می‌گیرند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۶۷)

بر این اساس، پژوهش پیش رو، با اتکا بر سبک‌شناسی آماری و نظریه «تنوع واژگان» جانسون، سعی دارد میزان کاربرد مصادر عربی ثلاثی مجرد، ثلاثی مزید، اسم مصدر، مصدر میمی، صنایع و رباعی را ذیل دو بخش واژگان بسیط و مرکب در سه اثر از داستان‌نویسان مشهور قرن ۱۴ یعنی (دارالمجانین) از جمال‌زاده، (ملکوت) صادقی و (گیله مرد) اثر بزرگ

علوی، بررسی کند و تأثیرپذیری سبک نگارش آن زمان را از زبان عربی بسنجد. انتخاب سه اثر مذکور، بدان جهت صورت گرفته است که در نگارش این آثار، بیشتر از واژگان معمول و رایج میان مردم استفاده شده است و در هر دوره از انتشار، توجه خوانندگان بسیاری را به خود جلب نموده است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در رابطه با داستان «دارالمجانین»، «ملکوت» و «گیله مرد»، پژوهش آماری صورت نگرفته است و تاکنون پژوهشگران، این سه اثر را از لحاظ ساختار دستوری مورد بررسی قرار نداده اند؛ لذا، این پژوهش به نوبه خود با نگاهی نو به سبک داستان‌نویسی ایرانی از آغاز سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰، سعی نموده است تا با توجه به تعامل ایران با کشورهای عربی، میزان گرتبرداری نویسندگان سه اثر مذکور را به عنوان پیشگامان داستان‌نویسی عصر مشروطیت به بعد، از مصادر زبان عربی بررسی نماید.

اما در رابطه با تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله پژوهش‌های آماری که می‌توان بدان‌ها اشاره نمود، عبارت‌اند از: «تأثیر زبان عربی در زبان فارسی» (۱۳۵۵) از خدامراد مرادیان، مجله گوهر، شماره ۳۷، «نقش زبان عربی در انتقال واژه‌های فارسی به زبان‌های اروپایی» (۱۳۸۹) از فردوس آقاگل زاده و حسین داوری، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۵، «پژوهشی در تنوع واژگان شعری: مطالعه موردی اشعار رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری» (۱۳۹۱) از ابراهیم اناری بزجلویی و ابراهیم و وحید امیدوار و «مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالد فروغ از منظر نظریه جانسون» (۱۳۹۳) از علی اصغر بوند شهریاری و طاهره سیدرضایی.

۲- سبک و سبک‌شناسی (Stylistics)

معادل سبک‌شناسی در حوزه ادبیات فارسی، اسلوب و روش است. اصطلاح سبک‌شناسی نخستین بار در کتاب «سبک‌شناسی» بهار به کار رفته است؛ وی آن را روش خاصی می‌نامد که افکار به وسیله ترکیب واژه‌ها و انتخاب آنها بیان می‌گردد. (ر.ک: بهار، ۱۳۸۸: ۱۵) درحقیقت، فرد برای بیان اندیشه‌های خویش در قالب متن نوشتاری، شیوه‌ای را برمی‌گزیند و از همین رو، در میان دیگر معاصران خویش، بدان ویژگی نگارشی شناخته می‌شود.

«سبک به معنی گزینش آگاهانه یا ناخودآگاهانه از شکل و ساختارهای زبان» است. (ن.ک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵) برخی، سبک‌شناسی را دانشی می‌دانند که تعابیر و گفتار را بررسی می‌کند (ر.ک: خفاجی و سعدی فرهود و همکاران، ۱۹۹۲: ۱۴) و برخی دیگر، آن را یکی از زیرمجموعه‌های دانش زبان‌شناسی می‌خوانند که هدف اصلی‌اش ساختارگفتاری است. (ر.ک: التونجی، ۲۰۰۳: ۴۳-۴۴) به‌طور خلاصه می‌توان گفت «مهم‌ترین مقوله‌ای که زبان و ادبیات را به یکدیگر پیوند می‌زند، دانش سبک‌شناسی است.» (فضل، ۱۹۹۸: ۹۵)

۲-۱- ساخت واژه در زبان فارسی

در تعریف واژه (Word) چنین گفته می‌شود که واژه از نظر صرفی «از یک یا چند واژک تشکیل شده و در سلسله مراتب واحدهای دستوری زبان، در ساختمان گروه به کار می‌رود [...] و واژک، کوچک‌ترین واحد معنی‌دار.» (کلباسی، ۱۳۸۰: ۲۱) اسم، فعل و حرف از بارزترین اجزای نظام ساخت‌واژی زبان فارسی است که از لحاظ ساختاری، به دو گروه عمده بسیط و مرکب تقسیم می‌شود. «اسم مفرد یا ساده، آن است که یک کلمه و بی‌جزء باشد مانند دست، پا و مانند آن، و اسم مرکب یا آمیخته، آن است که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد؛ مانند: کارخانه، باغبان.» (قریب و جلایی و همکاران، ۱۲۶۳: ۳۱)

«ترکیب» (Compounding) فرایند مهم و مؤثری در زایش واژگان و در نهایت، گسترش دایره واژگانی زبان فارسی به‌شمار می‌رود؛ لذا یکی از قابلیت‌های منحصر به فرد زبان فارسی، ترکیب‌سازی جهت رسیدن به معنا و مفهومی جدید است «زبان فارسی در شمار زبان‌های ترکیبی است، برخلاف زبان عربی که از زبان‌های اشتقاقی می‌باشد، ترکیب در این زبان [فارسی]، نقش اساسی دارد. در زبان فارسی برای اینکه از واژه‌ها، کلمه یا اصطلاحی جدید بسازند، پیشوند یا پسوند و یا اجزایی به اول یا آخر آن می‌افزایند.» (احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۲۳)

ترکیب، یکی از قوی‌ترین روش‌هایی است که در دستور زبان فارسی جهت واژه‌سازی و رسیدن به مفهومی نو، از آن به‌طور گسترده بهره‌جسته می‌شود. این فرایند، «با فشرده‌سازی اطلاعات و غنی‌سازی واژگان در زبان‌ها، انجام وظیفه می‌کند و این مهم را با استفاده از عناصر واژگانی موجود به انجام می‌رساند.» (عاصی، ۱۳۸۹: ۷۳) خانلری در معرفی فرایند

صرفی ترکیب می گوید: ترکیب «به هم پیوستن دو یا چند کلمه مستقل است که هریک معنای خاصی دارد و از پیوند آنها، کلمه تازه‌ای حاصل می‌شود.» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۵۳) ترکیب در دستور زبان فارسی به دو شیوه انجام می‌شود: ۱- ترکیب عناصر موجود در زبان فارسی، مانند نگاه کردن؛ ۲- استفاده از عناصری از زبان بیگانه به عنوان «فعل یار»؛ مانند تلفن زدن. (ر.ک: خویینی، ۱۳۸۴: ۴۸)

حال که مفهوم ترکیب را در دستور زبان دریافتیم، به سراغ ساختارهای بسیط و غیربسیط هریک از زیرمجموعه‌های واژه می‌رویم. اسم ساده، بر تکواژه‌های مستقل و معنادار اطلاق می‌شود؛ مانند نامه و اسم غیربسیط، از ترکیب دو تکواژ مستقل شکل می‌گیرد؛ مانند احضارنامه. اسم غیربسیط، خود به دو گونه مشتق و مرکب تقسیم می‌شود. (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۱) ساختارهای اسم مرکب به‌طور خلاصه، در دستور زبان فارسی بدین گونه ارائه شده‌است: اسم + اسم، اسم + فعل، فعل + فعل، اسم + صفت، صفت + اسم، صفت + صفت، مصدر + مصدر، مصدر + اسم مصدر، فعل + صفت. (ر.ک: قریب و جلایی و همکاران، ۱۲۶۳: ۳۲ - ۳۱) حروف، بخش دیگری از واژگان هستند که مفهوم مستقلی ندارند و تنها زمانی بار معنایی پیدا می‌کنند که در جمله به کار روند. در کتاب دستور جامع زبان فارسی آمده‌است: «حروف، کلمات یا الفاظی هستند که به تنهایی معنای مقنعی از آنها مفهوم نمی‌شود.» (همایونفرخ، ۱۳۶۴: ۶۸۸) و از حیث ساختار نیز دارای دو بخش بسیط و مرکب می‌باشد اما هیچ‌گاه با مصدر ترکیب نمی‌گردد؛ از این جهت، در حوزه پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

در میان واژگان، افعال نیز نقش مهمی را در انعقاد گفتار ایفا می‌کنند. «فعل» بر کلمه‌ای اطلاق می‌شود که «بر کار یا حالتی در زمانی معین (گذشته، حال، آینده) دلالت می‌کند» (شریعت، ۱۳۸۴: ۱۰۷) و از حیث ساختار، دارای دو بخش ساده (بسیط) و مرکب (غیر بسیط) است. (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۹۴) فعل ساده، «تنها از یک عنصر فعلی تشکیل شده‌است» (کلباسی، ۱۳۸۰: ۷۲) و فعل مرکب، به فعلی گفته می‌شود که «از دو کلمه مستقل ترکیب یافته‌اند»؛ مانند خراب‌ساختن. (ناتل خانلری، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۸ - ۱۲۷) فعل مرکب همان طور که از نامش مشخص است، حداقل از دو بخش فعلی و غیرفعلی ترکیب شده‌است؛ جزء

نخست و غیر فعلی آن، «فعل یار» و جزء فعلی اش «فعل یاور» یا «فعل کمکی» نامیده می شود؛ مانند گوش دادن. (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۹۴)

با توجه به تأثیر پذیری زبان فارسی از زبان عربی، بخش نخست برخی از فعل های مرکب فارسی را نیز کلمات عربی و به خصوص مصادر تشکیل می دهند؛ مانند التماس کردن. البته میزان کاربرد آن، بسته به ادوار تاریخی مختلف، متفاوت است. این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که واژه های عربی به کار رفته در نثر فارسی، نقش های دستوری فارسی را عهده دار می شوند. (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۶۷: ۱۳۱)

۲-۲ - مصدر و انواع آن در زبان عربی

هر واژه ای را که بر حالت یا اتفاقی بدون در نظر داشتن زمان، دلالت کند، «مصدر» نامند (ر.ک: حسن، بی تا، ج ۳: ۲۰۷) و هر واژه ای را که بر معنای مصدر دلالت کند، در صورتی که نسبت به صیغه ماضی فعل خود حروفی را کم داشته باشد، «اسم مصدر» خوانند؛ مانند عطا.

دانش صرف یا علم واژه شناسی زبان عربی، مصادر را به چند دسته عمده ثلاثی مجرد، ثلاثی مزید، میمی، صناعی و رباعی تقسیم نموده است. مصادر ثلاثی مجرد، شامل واژه هایی است که صیغه مذکر غایب ماضی شان سه حرفی باشد؛ مانند فَتَحَ که اولین صیغه ماضی آن، فَتَحَ است و لذا، ابواب آن سماعی است و «فعل ثلاثی مزید، از ثلاثی مجرد گرفته می شود»؛ بدین معنی که علاوه بر حروف اصلی، یک یا چند حرف زاید هم دارد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۵۴) مصادر ثلاثی مزید قیاسی و معین اند؛ ابواب آن عبارت اند از: تفعیل، مفاعله، إفعال، تفعُّل، تفاعل، انفعال، افعال، استفعال، افعیعال، افعیلال و افعوال (ر.ک: شرتونی، ۵۷) که در زبان فارسی، بیشتر از وزن های نخست استفاده شده و به ندرت سه وزن اخیر به کار رفته است. مصدر میمی، آن است که در ابتدای واژه، حرف زاید میم باشد؛ مانند مَدخَلَ به معنای راه ورودی. برخی معتقدند که مصدر میمی، اسمی است که مصدر نیست بلکه معنای مصدر می دهد (ر.ک: غلابینی، ۱۹۱۲: ۱۷۷) و مصدر صناعی، اسمی است که به آخرش یاء نسبت و تاء مربوطه اضافه می گردد و مفهوم صفت دارد؛ مانند انسانیّه. (همان: ۱۸۱)

به دنبال آشنایی ایرانیان و عرب‌ها و روابط چند جانبه آنها در طول تاریخ، زبان فارسی و عربی نیز وارد یک رابطه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر شدند. زبان فارسی با وام‌گیری از مصادر عربی و کاربرست آنها در ساختار فعل‌های بسیط و مرکب و همچنین، در ساختار اسم‌های بسیط و مرکب، گستره واژگانی خود را وسعت بخشید اما نکته قابل توجه آن است که این وام‌پذیری، در ادوار مختلف متفاوت است. حال با توجه به اینکه هر یک از انواع مصادر عربی پس از نفوذ در زبان فارسی، در ساختار واژگان کاربرد داشته و دارد، در این پژوهش برای دریافت میزان تأثیرپذیری زبان فارسی از ساختار صرفی زبان عربی، به بررسی انواع مصادر با استناد بر نظریه «تنوع واژگان» جانسون پرداخته می‌شود.

۳- نظریه «تنوع واژگان» کیت جانسون (Keith Jahnson) و محاسبات آماری

مصادر عربی در سه اثر داستانی

ترکیب واژگان با یکدیگر در یک رابطه هم‌نشینی و جانشینی، زبان را به وجود می‌آورد و با توجه به این نکته مهم که زبان وسیله برقراری ارتباط است؛ لذا، انتخاب واژگان و چگونگی ترکیب آنها در راستای انتقال مفاهیم و مقاصد بسیار اهمیت دارد. (ر.ک: وهیبه و مصطفای، ۲۰۱۳: ۶۰) واژه و گستره دایره آن، مهم‌ترین محور متن ادبی و سرمایه نویسنده است که سبک وی را مشخص و از دیگران متمایز می‌کند. به عبارت دیگر، بررسی کلمات یک اثر ادبی، پژوهشگر را در شناخت سبک نگارش صاحب اثر یاری می‌کند. در رابطه با معیارهای سنجش تنوع واژگان، پیشنهادهای بسیاری ارائه شده است؛ نظریه «تنوع واژگان» جانسون مهم‌ترین راه کارهای پیشنهادی است. (ر.ک: صدقی و یزدی، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

محور اساسی این نظریه، دایره لغات و واژگانی است که نویسنده برای بیان مقصود خویش از آنها بهره جسته است. جانسون بر این باور است که بررسی تنوع کلمات به کاررفته در یک متن، توانایی صاحب آن را در آفرینش اثری متفاوت با بقیه، به عرصه نمایش می‌گذارد و در شناخت سبک صاحب اثر، دستاویز ارزشمند و مهمی به شمار می‌رود. (ر.ک: بوند شهریاری و سیدرضایی، ۱۳۹۳: ۴۸) سعد مصلوح نیز بر این باور است که «بعد آماری در بررسی سبک، یکی از معیارهای اساسی به شمار می‌رود که با کاربرست آن می‌توان سبک

یک اثر را تعیین نمود و تقریباً معیار منحصر به فردی است، زیرا این توانایی را دارد که میان ویژگی‌های سبک‌شناسی تفاوت قایل شود.» (مصلوح، ۱۹۹۲: ۵۱)

نظریه «تنوع واژگان»، ضمن صرف‌نظر از واژگان تکراری، مراحل را طی می‌کند که متناسب با بررسی‌ها، در خلال پژوهش معرفی می‌شوند؛ این مراحل عبارت‌اند از: انتخاب نمونه پژوهش، تعیین واژگان متنوع، نسبت کلی تنوع واژگان، مقدار میانگین تنوع واژگان، منحنی کاهش تنوع واژگان، منحنی تراکم نسبت تنوع واژگان. (ر.ک: اناری و امیدوار، ۱۳۹۰: ۳۹۰)

گام اول، انتخاب نمونه پژوهش: پژوهشگران سه اثر داستانی «دار المجانین» نوشته محمدعلی جمال‌زاده، «ملکوت» اثر بهرام صادقی و «گیله مرد» نوشته بزرگ علوی را انتخاب نموده‌اند تا با توجه به روابط دیرینه ایرانیان و عرب‌زبانان، تأثیرپذیری ادبیات فارسی از مصادر عربی را طی یک دوره زمانی (از آغاز دوره مشروطیت سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰)، یعنی از آغاز سبک جدید داستان‌نویسی با ظهور محمدعلی جمال‌زاده، پدر داستان کوتاه، تا عصر مجتبی بزرگ علوی و بهرام صادقی بسنجند.

گام دوم، تعیین واژگان متنوع: واژگان دخیل عربی مورد بررسی در نثر این سه اثر، انواع مصادر عربی، اعم از مصادر ثلاثی مجرد، ثلاثی مزید، اسم مصدر، مصدر میمی، مصدر صناعی و مصدر رباعی به کاررفته در ساختار واژگان بسیط و مرکب زبان فارسی است. در این راستا، از شمارش واژگان تکراری پرهیز می‌شود، چرا که هدف، شناسایی تنوع موجود در دایره واژگان نویسنده است. سعد مصلوح، به‌عنوان پیشگام در کاربری نظریه «تنوع واژگان» جانسون در حوزه ادبیات عربی، «واژگان متنوع را نوع (Type) و مجموع کلی واژگان را نشانه‌ها (Token) و نسبت تنوع را Type _ Token Ratio می‌نامد.» (مصلوح، ۱۹۹۳: ۹۱)

پیش از بررسی گام‌های بعد، لازم است برای هر یک از مصادر ثلاثی مجرد، ثلاثی مزید، اسم مصدر، مصدر میمی، مصدر صناعی و مصدر رباعی که در ساختار واژگان بسیط و مرکب سه اثر به کاررفته‌است، نمونه‌هایی ذکر شود:

مصدر ثلاثی مجرد: بسیط (رسم، هوس، رجوع؛ **مرکب**) به نظر می‌آید، ختم شود، رغبت دارید، حلال کن، لذت بردم، وفا کردم، ذوق زده شده.

مصدر ثلاثی مزید: باب تفعل: بسیط) تحوّل، تمنا؛ مرکب) تذکر می دهد، توکل داشته باش، تأسف می خورد، تعارف نمود، تلفظ نمودم، توجه می کردید، توقف کرد، تأمل کرد.

باب تفعیل: بسیط) تصنیف، تاریخ، تدریج، تعجیل؛ مرکب) تخمین بزند، تسکین دهم، تألیف نموده است، ترکیب شد، ترجیح بدهی، تشخیص داد.

باب افعال: بسیط) اجتماع، اعدام، ادامه؛ مرکب) ادامه بدهید، اقامه کنم، امضا کردم، احساس نمودم، ایمان ندارند، احاطه کرده باشد، اظهار کرد.

باب استفعال: بسیط) استعمال، استغناء، استقامت، استراحت، استعداد، استفاده، استمالت؛ مرکب) استخدام می کنید، استدعا کردم، به استقبال می رود.

باب انفعال: بسیط) انفعالات، انزجار، انحراف، انقلاب، انفراد، انهدام، انحصار، انزوا؛ مرکب) به انسداد رفت.

باب افتعال: بسیط) انتقام، ابتدال، احتیاج، اضطهاد، التماس، ابتکار؛ مرکب) اتفاق بیافتد، امتداد داشته باشد، درانتظار گذاشت، امتحان کرد.

باب مفاعله: بسیط) مقاومت، مباحثه، محاجه، معالجه، مشاوره؛ مرکب) مسافرت کنم، ملاحظه نفرمودید، محاکمه کنیم، مرافعه شده است، مراعات کرده.

مصدر میمی: بسیط) معصیت، مسرت، معاش، محبت، معرفت؛ مرکب) معذرت می خواهم، مسئلت نمایم. مصدر صناعی: بسیط) اهمیت، هویت، طفولیت، ابدیت؛ مرکب) اهمیت داشت، حتمیت می دهید. مصدر رباعی: بسیط) حوصله، وسوسه، زلزله، دغدغه، اضمحلال، فلسفه؛ مرکب) اطمینان داشت، ترجمه کرده بود، زمزمه می کرد.

گام سوم، نسبت کلی تنوع واژگان: در این مرحله، قبل از انجام محاسبات آماری، مصادر عربی به کاررفته در متن سه اثر را بدین صورت دسته بندی می کنیم: مصادر ثلاثی مجرد، مزید، مصدر میمی، مصدر صناعی و رباعی در واژگان ساده، مصادر ثلاثی مجرد، مزید، مصدر میمی، مصدر صناعی و رباعی در واژگان مرکب. سپس، تعداد یک نمونه بر تعداد کل نمونه ها تقسیم می شود (ر.ک: اناری و امیدوار، ۹۷-۹۶)؛ به عنوان مثال، تقسیم تعداد مصادر ثلاثی مجرد در کلمات بسیط بر تعداد کل مصادر در واژگان بسیط و مرکب. بدین ترتیب، تنوع واژگان در سه اثر مذکور به قرار زیر است:

نام اثر	ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید	مصدر میمی	مصدر صناعی	مصدر رباعی
	(بسیط) (مركب)	(بسیط) (مركب)	(بسیط) (مركب)	(بسیط) (مركب)	(بسیط) (مركب)
دار المجانین	۳۴۸	۲۴۹	۹	۱۵	۹
	۱۱۵	۸۴	۲	۰	۲
ملکوت	۹۷	۸۵	۳	۱	۳
	۵۱	۸۱	۱	۱	۱
گیله مرد	۴۶	۱۱۱	۴	۲	۰
	۳۱	۷۸	۱	۱	۲

(جدول شماره ۹-۱-۱)

نام اثر	مصادر ثلاثی مجرد	مصادر ثلاثی مزید	مصادر میمی	مصادر صناعی	مصادر رباعی
دار المجانین	۴۶۳	۳۳۳	۱۱	۱۵	۱۱
ملکوت	۱۴۸	۱۶۶	۴	۲	۴
گیله مرد	۷۷	۱۸۹	۵	۳	۲

(جدول شماره ۹-۱-۲)

نام اثر	درصد مصادر ثلاثی مجرد	درصد مصادر ثلاثی مزید	درصد مصادر میمی	درصد مصادر صناعی	درصد مصادر رباعی
دار المجانین	۵۵,۵۸%	۳۹,۹۷%	۱,۳۲%	۱,۸۰%	۱,۳۲%
ملکوت	۴۵,۶۷%	۵۱,۲۳%	۱,۲۳%	۰,۶۱%	۱,۲۳%
گیله مرد	۲۷,۸۹%	۶۸,۴۷%	۱,۸۱%	۱,۰۸%	۰,۷۲%

(جدول شماره ۹-۱-۳)

با توجه به اعداد به دست آمده در جداول بالا، در داستان کوتاه «دار المجانین» نوشته جمالزاده، به طور کلی، مصادر عربی سهم بیشتری نسبت به دو داستان «ملکوت» نوشته صادقی و «گیله مرد» نوشته بزرگ علوی، به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که بیش از نیمی از مصادر (۵۵,۵۸٪) به کاررفته در متن، مصادر ثلاثی مجردند اما میزان مصادر ثلاثی مزید، میمی و صناعی در داستان «ملکوت»، به ترتیب، با داشتن سهم (۵۱,۲۳٪)، (۱,۲۳٪) و (۰,۶۱٪) کمتر از داستان «گیله مرد» است و درخصوص مصادر ثلاثی مجرد و رباعی، «ملکوت» با داشتن سهم (۴۵,۶۷٪) و (۱,۲۳٪) بیشتر از «گیله مرد» است.

در این راستا، به برخی از مصادری که نویسندگان استفاده نموده‌اند ولی امروزه کاربرد

ندارد یا کم کاربرد است، اشاره می‌کنیم:

نام اثر	مصادری که دیگر کاربرد ندارد	تعداد	درصد
دارالمجانین	ابرام، تطف، مراجعت، انهدام، اخلاط، استهزاء، محاجه، تشفی، منازعه، استمالت، استفسار، تتبع، تمتعات، استیلا، تعویذ، التجاء، تبختر، تفرس، حیص، تخویف، مغازله، ایقان، خبث، صرامت، حرج، شحم، ایضا، رتق، فجأة، جلوس، بغتا، استیصال، اضطهاد، افاقه، ملاطفت، تفریر، فدا سازم.	۳۷	۴٪
ملکوت	طرب، تقدیس می کنم.	۲	۱٪
گیله مرد	ابرام، تنزیل، استنطاق، انشاء می کرد، ایصال شود، توصیه بگیرند.	۶	۲٪

باتوجه به جدول بالا، می توان گفت که استعمال یک سری از مصادر عربی در زبان فارسی در خلال ۴۰ سال، یعنی از آغاز مشروطیت به این طرف، سیر نزولی را طی نموده است؛ ۴ درصد از مصادر عربی به کاررفته در داستان «دار المجانین»، ۱ درصد از مصادر عربی داستان «ملکوت» و ۲ درصد از مصادر عربی داستان «گیله مرد»، امروزه کاربردی ندارند. بدین معناست که طی این مدت، زبان فارسی تا حدی توانسته است استعمال مصادر عربی را کنار بگذارد و میزان تأثیرپذیری اش از زبان عربی، با گذشت زمان، کمتر می شود.

گام چهارم، مقدار میانگین تنوع واژگان: این مرحله، خود دارای زیرمجموعه هایی بدین صورت است: ۱- تقسیم واژگان متن به دو دسته کلی «بسیط» و «مرکب»؛ ۲- دسته بندی مصادر: مصدر ثلاثی مجرد در واژگان بسیط و مرکب، مصادر ثلاثی مزید (افعال، تفعیل، انفعال، استفعال) در واژگان بسیط و مرکب؛ ۳- محاسبه درصد میانگین هریک از تقسیم بندی ها نسبت به کل واژگان؛ مثلاً تعداد مصدر ثلاثی مزید «انفعال» در کلمات مرکب تقسیم بر تعداد کل مصادر در واژگان ساده و مرکب و به همین ترتیب.

(تعداد باب های ثلاثی مزید در کلمات بسیط)

نام اثر	باب تفعیل	باب افعال	باب استفعال	باب انفعال	باب افعال	باب مفاعله
دار المجانین	۴۲	۶۴	۱۷	۸	۳۵	۴۱
درصد مصدر	۵,۰۴٪	۷,۶۸٪	۴,۸۰٪	۲,۰۴٪	۰,۹۶٪	۴,۹۲٪

(تعداد انواع ثلاثی مزید در کلمات مرکب)

نام اثر	تفعل	تفعیل	افعال	استفعال	انفعال	افعال	مفاعله
دار المجانین	۱۴	۲۵	۱۸	۷	۰	۱۲	۷
درصد مصدر	٪۱,۶۸	٪۳,۰۰	٪۲,۱۶	٪۰,۸۴	٪۰	٪۱,۴۴	٪۰,۸۴

(جدول شماره ۹ - ۲ - ۱)

(تعداد باب‌های ثلاثی مزید در کلمات بسیط)

نام اثر	باب تفعل	باب تفعیل	باب افعال	باب استفعال	باب انفعال	باب افعال	باب مفاعله
ملکوت	۱۴	۲۵	۹	۵	۱	۲۱	۱۰
درصد مصدر	٪۴,۳۲	٪۷,۷۱	٪۲,۷۷	٪۱,۵۴	٪۰,۳۰	٪۶,۴۸	٪۳,۰۸

(تعداد انواع ثلاثی مزید در کلمات مرکب)

نام اثر	تفعل	تفعیل	افعال	استفعال	انفعال	افعال	مفاعله
ملکوت	۹	۲۶	۱۰	۴	۱	۱۱	۱۰
درصد مصدر	٪۲,۷۷	٪۸,۰۲	٪۳,۰۸	٪۱,۲۳	٪۰,۳۰	٪۳,۳۹	٪۳,۰۸

(جدول شماره ۹ - ۲ - ۲)

(تعداد باب‌های ثلاثی مزید در کلمات بسیط)

نام اثر	باب تفعل	باب تفعیل	باب افعال	باب استفعال	باب انفعال	باب افعال	باب مفاعله
گیله مرد	۱۸	۲۷	۱۷	۵	۱	۱۹	۱۵
درصد مصدر	٪۶,۵۲	٪۹,۷۸	٪۶,۱۵	٪۱,۸۱	٪۰,۳۶	٪۶,۸۸	٪۵,۴۳

(تعداد انواع ثلاثی مزید در کلمات مرکب)

نام اثر	تفعل	تفعیل	افعال	استفعال	انفعال	افعال	مفاعله
گیله مرد	۶	۲۶	۱۵	۳	۰	۱۷	۱۲
درصد مصدر	٪۲,۱۷	٪۹,۴۲	٪۵,۴۳	٪۱,۰۸	٪۰	٪۶,۱۵	٪۴,۳۴

(جدول شماره ۹ - ۲ - ۳)

داده‌های آماری بالا، بیانگر آن است که در هر سه داستان «دار المجانین»، «ملکوت» و «گیله مرد»، باب تفعیل در ساختار واژگان ساده بیشترین سهم (٪۷,۶۸)، (٪۷,۷۱)، (٪۹,۷۸) و باب انفعال کمترین سهم (٪۰,۹۶)، (٪۰,۳۰)، (٪۰,۳۶) را داشته‌است و در رابطه با کاربرد باب‌های ثلاثی مزید در ساختار واژگان مرکب، باید گفت همانند ساختمان کلمات ساده،

باب تفعلیل بیشترین بخش (۰,۳۰٪)، (۰,۸۰۲٪)، (۰,۹۴۲٪) و باب انفعال و افعال کمترین (۰,۰٪)، (۰,۳۰٪)، (۰,۰٪) را به خود اختصاص داده‌اند.

گام پنجم، منحنی کاهش تنوع واژگان: برای رسم نمودار منحنی کاهش تنوع واژگان، تعداد کل مصادر عربی متن هر اثری را تقسیم بر دو می‌کنیم (مبنی بر دسته‌بندی کلی واژگان به ساده و مرکب) سپس، تعداد هریک از انواع مصادر ثلاثی مجرد، مزید، میمی، صناعی و رباعی را در هر یک از سه اثر منتخب به دست می‌آوریم و در آخر، روی نمودار منحنی نشان می‌دهیم.

- تعداد کل مصادر عربی به کاررفته در داستان «دارالمجانین»: ۸۳۳

- تعداد کل مصادر عربی به کاررفته در داستان «ملکوت»: ۳۲۴

- تعداد کل مصادر عربی به کاررفته در داستان «گیله مرد»: ۲۷۶

(محاسبه کاهش تنوع واژگان در داستان «دارالمجانین»)

$$۸۳۳ \div ۲ = ۴۱۶,۵ ; ۴۶۳ \div ۴۱۶,۵ = ۱,۱۱ ; ۳۳۳ \div ۴۱۶,۵ = ۰,۷۹ ; ۱۱ \div ۴۱۶,۵ = ۰,۰۲ (۲) ;$$

$$۱۵ \div ۴۱۶,۵ = ۰,۰۳$$

(محاسبه کاهش تنوع واژگان در داستان «ملکوت»)

$$۳۲۴ \div ۲ = ۱۶۲ ; ۱۴۸ \div ۱۶۲ = ۰,۹۱ ; ۱۶۶ \div ۱۶۲ = ۱,۰۲ ;$$

$$۴ \div ۱۶۲ = ۰,۰۲ (۲) ; ۲ \div ۱۶۲ = ۰,۰۱$$

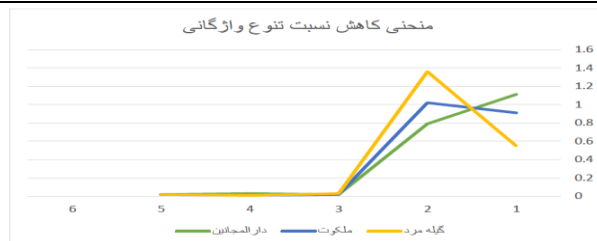
(محاسبه کاهش تنوع واژگان در داستان «گیله مرد»)

$$۲۷۶ \div ۲ = ۱۳۸ ; ۷۷ \div ۱۳۸ = ۰,۵۵ ; ۱۸۹ \div ۱۳۸ = ۱,۳۶ ; ۵ \div ۱۳۸ = ۰,۰۳ ; ۳ \div ۱۳۸ = ۰,۰۲ ;$$

$$۲ \div ۱۳۸ = ۰,۰۱$$

کاهش نسبت تنوع واژگان

نام اثر	مصادر ثلاثی مجرد	مصادر ثلاثی مزید	مصادر میمی	مصادر صناعی	مصادر رباعی
دارالمجانین	۱,۱۱	۰,۷۹	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۰۲
ملکوت	۰,۹۱	۱,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۲
گیله مرد	۰,۵۵	۱,۳۶	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲



همان‌طور که از ارقام و نمودار کمی بالا مشخص است، مصادر عربی در داستان کوتاه «دارالمجانیین» در مقایسه با «ملکوت» و «گیله مرد» سیر صعودی دارد، در صورتی که «گیله مرد» نسبت به «ملکوت» و «دارالمجانیین»، سیر نزولی را پیش گرفته است. نقطه اوج «دارالمجانیین» در مصادر ثلاثی مجرد و نقطه افول آن در مصدر میمی و رباعی است. این مطلب در «ملکوت» و «گیله مرد»، بر عکس عمل شده است؛ نقطه اوج در استعمال مصادر ثلاثی مزید و نقطه افولش در مصدر صناعی است.

گام ششم، منحنی تراکم نسبت تنوع واژگان: در این گام، به دنبال مرحله قبلی، اعداد به دست آمده از شاخه‌های گروه واژگان بسیط و مرکب را با یکدیگر جمع بسته و تقسیم بر تعداد کل واژگان هر متن می‌کنیم.

(محاسبه تراکم نسبت تنوع واژگان در داستان «دارالمجانیین»)

$$۴۶۳ \div ۸۳۳ = ۰,۵۵ ; ۳۳۳ \div ۸۳۳ = ۰,۳۹ ; ۱۱ \div ۸۳۳ = ۰,۱۳ (۲) ; ۱۵ \div ۸۳۳ = ۰,۱۸$$

(محاسبه تراکم نسبت تنوع واژگان در داستان «ملکوت»)

$$۱۴۸ \div ۳۲۴ = ۰,۴۵ ; ۱۶۶ \div ۳۲۴ = ۰,۵۱ ; ۴ \div ۳۲۴ = ۰,۱۲ (۲) ; ۲ \div ۳۲۴ = ۰,۰۶$$

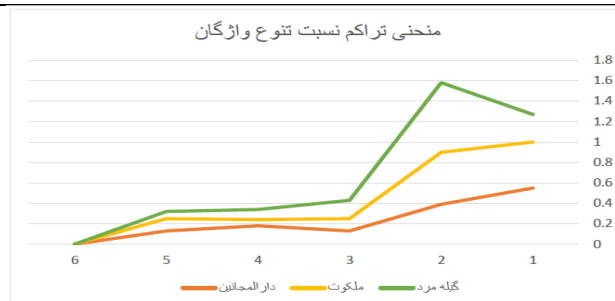
(محاسبه تراکم نسبت تنوع واژگان در داستان «گیله مرد»)

$$۷۷ \div ۲۷۶ = ۰,۲۷ ; ۱۸۹ \div ۲۷۶ = ۰,۶۸ ; ۵ \div ۲۷۶ = ۰,۱۸ ; ۳ \div ۲۷۶ = ۰,۱۰ ;$$

$$۲ \div ۲۷۶ = ۰,۰۷$$

تراکم نسبت تنوع واژگان

نام اثر	مصادر ثلاثی مجرد	مصادر ثلاثی مزید	مصادر میمی	مصادر صناعی	مصادر رباعی
دارالمجانیین	۰,۵۵	۰,۳۹	۰,۱۳	۰,۱۸	۰,۱۳
ملکوت	۰,۴۵	۰,۵۱	۰,۱۲	۰,۰۶	۰,۱۲
گیله مرد	۰,۲۷	۰,۶۸	۰,۱۸	۰,۱۰	۰,۰۷



ملاحظه می‌شود که تراکم نسبت تنوع مصادر ثلاثی مجرد و مزید در هر سه اثر، بیش از مصدر میمی، صناعی و رباعی است اما در بین تراکم مصادر ثلاثی مجرد و مزید، «گیله مرد» در مقایسه با «دارالمجانین» و «ملکوت»، با اختلاف حدود ۴۰٪، فاصله زیادی دارد. به همین خاطر، همان‌طور که در نمودار واضح است، خط «گیله مرد» پس از اوج ناگهانی با فاصله بسیاری سقوط می‌کند. به بیانی دیگر، حالت تعادل در «دارالمجانین» و «ملکوت» بیشتر از «گیله مرد» است.

۴- نتیجه‌گیری

سبک‌شناسی، راهی است جهت دستیابی به شناخت بهتر نسبت به افکار و عقایدی که صاحب سبک به دنبال آن است و سعی می‌نماید تا در قالب واژگان، آن را به مخاطب انتقال دهد. در کنار این نکته باید اشاره کرد که داستان‌پردازی یکی از اساسی‌ترین روشی است که دوره تاریخی خود را از جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، زبانی و غیره منعکس می‌کند. بررسی ساختمان واژگانی سه اثر داستانی «دارالمجانین»، «ملکوت» و «گیله مرد»، نه تنها سبک‌نگارشی آنان را از آغاز دوره مشروطیت تا ۴۰ سال پس از آن، روشن می‌سازد بلکه با توجه به ارتباط تنگاتنگ ایران با سایر کشورهای عربی و شکل‌گیری پدیده برخورد زبانی و تأثیرپذیری دو زبان از یکدیگر، میزان دوام این تأثیرپذیری طی ۴۰ سال معلوم می‌گردد.

داده‌های آماری به دست آمده از شمارش انواع مصادر عربی به کاررفته در ساختار واژگان ساده و مرکب فارسی در این سه اثر داستانی، در کنار نمودارهای کمی که بر اساس نظریه «تنوع واژگان» جانسون آماده شده‌اند، بیانگر آن است که جمال‌زاده، پدر داستان کوتاه ایرانی دوران مشروطیت ایران، بیش از دو نویسنده پس از خود، از مصادر عربی بهره

گرفته‌است و این امر شاید به این دلیل باشد که وی م، دتی را در بیروت به سر برده‌است. از میان بهرام صادقی و بزرگ علوی، صادقی سهم بیشتری را نسبت به بزرگ علوی در استفاده از مصادر عربی داشته‌است، این بدین معناست که کاربرد مصادر عربی میان مردم روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. از دیگر مواردی که طی بررسی انجام شده بر روی مصادر می‌توان بدان اشاره نمود، آن است که واژگان مرکب در این آثار، تنها از مصدر عربی و فعل فارسی شکل گرفته‌است و اسم مرکبی که از مصدر عربی ساخته شده باشد، در سه متن داستانی مشاهده نشد.

فهرست منابع

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۵). **دستور تاریخی فعل**. جلد ۲.
- اناری بزچلویی، ابراهیم، امیدوار، وحید. (۱۳۹۱). «پژوهشی در تنوع واژگان شعری؛ مطالعه موردی، اشعار رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری». **پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۵۸ - ۳۱.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). **زبان و تفکر: مجموعه مقالات زبان‌شناسی**. تهران: فرهنگ معاصر.
- بزرگ علوی، سید مجتبی. (۱۳۸۳). **گیله مرد**. تهران: نگاه.
- بوند شهریاری، علی اصغر، سیدرضایی، طاهره. (۱۳۹۳). «مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالده فروغ از منظر نظریه جانسون». **پژوهش ادبیات معاصر جهان**، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۶۱ - ۴۵.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۸). **سبک‌شناسی**، جلد ۱. چاپ ۱۳. تهران: زوار.
- التونجی، محمد. (۲۰۰۳). **معجم علوم العربیة تخصص، شمولیة، أعلام**. طبعه ۱. بیروت: دارالجلیل (نقل از مقاله «پژوهشی در تنوع واژگان شعری» از اناری بزچلویی).
- جمال‌زاده، محمدعلی. (تاریخ مقدمه ۱۳۴۳). **دار المجانین**. تهران: معرفت.
- حسن، عباس. (بی‌تا). **النحو الوافی**. طبعه ۳. مج ۳. مصر: دارالمعارف.
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، سعدی فرهود، محمد و همکاران. (۱۹۹۲). **الأسلوبیة و البیان العربی**. طبعه ۱. الدار المصریة اللبنانیة.

- خویینی، عصمت. (۱۳۸۹). «نکته‌هایی درباره فعل مرکب». **پژوهشنامه ادب فارسی** (گوهر گویا)، شماره ۲، صص ۵۸ - ۴۵.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۸۴). **دستور ساده زبان فارسی همراه با تجزیه و ترکیب**. چاپ ۳. تهران: اساطیر.
- صادقی، بهرام. (۱۳۵۷). **ملکوت**. چاپ ۶. تهران: زمان.
- ۴- صدقی، حامد و یزدی، قدرت. (۱۳۹۱). «قیاس خاصیه تنوع المفردات فی الأسلوب دراسة تطبيقية لنماذج من كتابات طه حسين، ميخائيل نعيمة و جبران خليل جبران». **دراسات في نقد الأدب العربي**، شماره ۵، صص ۱۱۸ - ۹۵.
- طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۸۵). **صرف ساده**. چاپ ۶۵. قم: انتشارات دارالعلم.
- عاصی، مصطفی و بدخشان، ابراهیم. (۱۳۸۹). «رده‌بندی واژه‌های مرکب». **فصلنامه زبان و ادب پارسی**، شماره ۴۶.
- الغلابینی، مصطفی. (۱۹۱۲). **جامع الدروس العربية**. بیروت.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). **سبک شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۳). **فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی پژوهشی در دستور تاریخی زبان فارسی**. تهران: سروش.
- فضل، صلاح. (۱۹۹۸). **علم الأسلوب ومبادئه وإجراءاته**. طبعه ۱. قاهره: دار الشروق.
- قریب، عبدالعظیم، همایی، جلال و همکاران. (۱۲۶۳). **دستور زبان فارسی پنج استاد**. تهران: مرکزی.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۰). **ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). **در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۹۰). **دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی**. چاپ ۵. تهران: سمت.
- مصلوح، سعد. (۱۹۹۲). **الأسلوب دراسة لغوية إحصائية**. طبعه ۳. عالم الکتب.

- مصلوح، سعد. (١٩٩٣). **في النص الأدبي دراسة أسلوبية إحصائية**. طبعه ١. القاهرة: عين للدراسات والبحوث الإنسانية والاجتماعية.
- ميرصادقي، جمال. (١٣٩٠). **ادبيات داستاني**. چاپ ٦. تهران: سخن.
- ناتل خانلري، پرويز. (١٣٦٥). **تاريخ زبان فارسي**. جلد ١. چاپ ١. تهران: نشر نو.
- وهيبه ابن حدود. (٢٠١٢). «الدرس البلاغي عند المبرد». عبد الجليل مصطفىاوى. رسالة دكتورى زبان و ادبيات عربي. دانشگاه ابي بكر بلقايد.
- همايونفرخ، عبدالرحيم. (١٣٦٤). **دستور جامع زبان فارسي**. تهران: على اكبر علمى.